

## Waqf of Candles and Candlesticks in the blessed monuments (Sociological and Religious Analysis of a Luminous Tradition Based on the moqufeh of Shah Sultan Hussein Safavi)

faezeh ansari chaharsoghi\*

safura alizadeh\*\*

۷۱

### Abstract

The waqf of candles and candlesticks in sacred places is, beyond an individual act of vow or blessing, a dynamic social institution that plays an important role in community cohesion, encouraging public participation, and preserving cultural-religious heritage. The candle is one of the manifestations of light and illumination, and the sanctity of light, which is mentioned in many verses and narrations, has made the element of light and illumination of particular importance in the construction of holy places, especially mosques and blessed monuments. On the other hand, benefactors and waqifs have also paid special attention to creating light and illumination in holy places, especially blessed monuments, to the point that before the establishment of the electricity network, there were many moqufeh candlesticks in these places, which were responsible for lighting these spaces. This article, written using the method of library study and comparative description, seeks to provide a religious and sociological analysis of the waqf of candles and candlesticks in blessed monuments. The case study of this article is the waqf-nameh of Shah Sultan Hussein Safavi as a perfect example of this type of moqufat. The results of the research show that the waqf of candles and candlesticks, like other moqufat made for blessed monuments, was a necessity, to the point that a position as a «lamp-bearer» was created to illuminate the places. Among these, the moqufeh of Shah Sultan Hussein Safavi is one of the few moqufat that is used solely to provide lighting for the shrine of the Ahlul Bayt (peace be upon them), and in this respect it is unique.

**Keywords:** Waqf, Blessed monuments, Safavid, Shah Sultan Hussein, candle, candlestick.

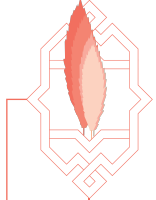
---

\* Master's in Islamic Studies (specializing in Quran and Hadith).

ansari.faezeh@gmsil.com

\*\* Endowment researcher

alizadehbesharat99@gmail.com.



## وقف الشموع والشمعدانات في الأماكن المقدسة (تحليل اجتماعي وديني لتراث متعلق قائم على وقف شاه سلطان حسين الصفوي)

فائزه انصاري جهارسوقى\*  
صفورا عليزاده\*\*

### الخلاصة

ظان وقف الشموع والشمعدانات في الأماكن المقدسة، يتجاوز كونه عملاً فردياً من أعمال النذر أو البركة، هو مؤسسة اجتماعية ديناميكية تلعب دوراً مهماً في تماسك المجتمع، وتشجيع المشاركة العامة، والحفاظ على التراث الثقافي والديني. تُعد الشموع من مظاهر النور والإضاءة، وقد جعلت قدسية النور، المذكورة في العديد من الآيات والأحاديث، عنصر النور والإضاءة ذا أهمية خاصة في بناء الأماكن المقدسة، ولا سيما المساجد والمواقع المقدسة. كما أولى المحسنون والجهات المانحة اهتماماً بالغاً بتوفير النور والإضاءة في الأماكن المقدسة، وخاصة المواقع المقدسة، حتى أنه قبل إنشاء شبكة الكهرباء، كانت هناك العديد من الشمعدانات الموقوفة في هذه الأماكن، والتي كانت مسؤولة عن إنارة هذه الأماكن. تسعى هذه المقالة، المكتوبة باستخدام منهج البحث المكتبي والوصف المقارن، إلى تقديم تحليل ديني واجتماعي لظاهرة وقف الشموع والشمعدانات في الأماكن المقدسة. وتُعد وثيقة وقف شاه سلطان حسين الصفوي مثلاً بارزاً على هذا النوع من الوقف. تُظهر نتائج البحث أن وقف الشموع والشمعدانات، كغيرها من الأوقاف المخصصة للأماكن المقدسة، كان ضرورة ملحة، لدرجة أنه تم استحداث وظيفة (حارس المصابيح) لإضاءة هذه الأماكن. ومن بين هذه الأوقاف، يُعد وقف شاه سلطان حسين الصفوي من الأوقاف القليلة التي حُصت حصراً لإضاءة اضرحة أهل البيت (عليهم السلام)، وهو وقف فريد من نوعه في هذا الصدد.

مصطلحات مفتاحية: وقف، المقامات المباركة، الصفوي، الشاه سلطان حسين، شمعة، مضباح

\* ماجستير في العلوم والمعارف القرآنية والحديثية

ansari.faezeh@gmsil.com

\*\*باحث في الأوقاف

alizadehbesharat99@gmail.com

## وقف شمع و شمعدان در بقاع متبرکه (تحلیل جامعه‌شناختی و دینی یک سنت نورانی با تکیه بر موقوفه شاه سلطان حسین صفوی)



فائزه انصاری چهارسوقی\*  
صفورا علیزاده\*\*

### چکیده

وقف شمع و شمعدان در اماکن مقدس، فراتر از یک عمل فردی نذر یا تبرک، نهاد اجتماعی پویایی است که نقش مهمی در انسجام جامعه، تشویق مشارکت عمومی و حفظ میراث فرهنگی-دینی ایفا می‌کند.

شمع یکی از مظاهر نور و روشنایی است و قداست نور که در آیات و روایات بسیار به آن اشاره شده، باعث شده که در ساخت اماکن مقدس، بخصوص مساجد و بقاع متبرکه، عنصر نور و روشنایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. از سوی دیگر خیران و واقفان نیز برای ایجاد نور و روشنایی در اماکن متبرک و بخصوص بقاع متبرکه اهتمام خاصی داشته‌اند تا جایی که قبل از ایجاد شبکه برق‌رسانی شمعدان‌های موقوفه بسیاری در این اماکن وجود داشت و روشنایی این فضاها را عهده‌دار بود.

این مقاله که با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و توصیف تطبیقی نگارش شده درصد آن است که تحلیل دینی و جامعه‌شناسی بر وقف شمع و شمعدان در بقاع متبرکه داشته باشد. مطالعه موردی این مقاله وقف‌نامه شاه سلطان حسین صفوی به‌عنوان نمونه کاملی از این نوع موقوفات است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد، وقف شمع و شمعدان نیز مانند دیگر موقوفاتی که برای بقاع متبرکه انجام می‌شده، از ضروریات بوده است تا جایی که منصبی به‌عنوان «چراغچی باشی»، برای روشنایی اماکن به وجود آمده است. در این بین موقوفه شاه سلطان حسین صفوی،

\*. کارشناس ارشد معارف و علوم قرآن و حدیث

ansari.faezeh@gmsil.com

\*\* پژوهشگر وقف

alizadehbesharat99@gmail.com



از معدود موقوفه‌هایی است که مصارف صرفاً ایجاد روشنایی بر حرم اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد و از این حیث منحصر به فرد است.

واژگان کلیدی: وقف، بقاع متبرکه، شاه سلطان حسین، شمع، شمعدان.

## مقدمه

روشنایی و نور همواره در طول تاریخ بشر جایگاهی ویژه در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف داشته است. از آتشکده‌های زرتشتی تا شمعدان‌های معابد یهودی و قندیل‌های مساجد اسلامی، نور به‌عنوان نمادی از روشنایی معنوی، پاکی و ارتباط با عالم قدس مورد توجه بوده است. در این میان، سنت وقف شمع و شمعدان در بقاع متبرکه به‌عنوان یکی از مظاهر این توجه معنوی به نور، از دیرباز در جوامع اسلامی رواج داشته و ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و دینی را در بر می‌گیرد.

موقوفه شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق.) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موقوفات دوره صفوی، نمونه بارزی از این سنت دیرینه است. این موقوفه که به تأمین روشنایی اعتبار مقدس اختصاص یافته، نه تنها از منظر تاریخ وقف‌نامه نگاری اهمیت دارد، بلکه به‌عنوان سندی زنده از تعامل پیچیده بین سیاست، جامعه و دیانت در دوره صفوی قابل مطالعه است.

دوره صفویه به ویژه در زمان شاه سلطان حسین، دوره‌ای است که در آن نهاد وقف به اوج گسترش خود رسید. در این دوره، وقف تنها یک عمل فردی نبود، بلکه به نهادی اجتماعی تبدیل شد که کارکردهای چندگانه‌ای در عرصه‌های مختلف ایفا می‌کرد. موقوفات مربوط به روشنایی اماکن مقدس، از جمله موقوفه شاه سلطان حسین، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه این نهاد توانسته است پیوندی ناگسستنی بین عرصه عمومی و خصوصی، بین حکومت و مردم، و بین امر مادی و معنوی ایجاد کند.

از منظر جامعه‌شناختی، وقف شمع و شمعدان در بقاع متبرکه را می‌توان از چند زاویه مورد بررسی قرار داد. نخست آنکه این عمل به‌عنوان یک کنش جمعی، نشان‌دهنده نوعی همبستگی اجتماعی است که در قالب مشارکت مردمی در امور خیریه تجلی می‌یابد. دوم آنکه، این سنت به‌عنوان مکانیسمی برای بازتولید نظم اجتماعی عمل می‌کرده و در حفظ و تداوم ساختارهای اجتماعی نقش داشته است. سوم آنکه، مطالعه این موقوفات می‌تواند ما را به درک بهتری از روابط قدرت و سلسله مراتب اجتماعی در دوره صفوی رهنمون سازد.

از سوی دیگر، از منظر دین‌شناسی، وقف روشنایی اماکن مقدس حاوی معانی عمیق عرفانی

و کلامی است. آیات مربوط به نور در قرآن کریم و نیز احادیث متعددی که در فضیلت نور و روشنایی وارد شده‌اند، زمینه‌ای دینی برای فهم اهمیت این سنت فراهم می‌آورند. در این میان، موقوفه شاه سلطان حسین به‌عنوان نمادی از تجلی حکمت الهی در ساحت عمل، قابل تأمل است.

اهمیت مطالعه این موقوفه تنها به ارزش تاریخی آن محدود نمی‌شود. امروزه که بحث‌های مربوط به نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی و نیز گفتگوهای بین ادیان درباره اشتراکات نمادین در حال گسترش است، بررسی چنین موضوعاتی می‌تواند افق‌های جدیدی در مطالعات بین‌رشته‌ای بگشاید. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی جامعه‌شناختی - دینی و با تکیه بر اسناد تاریخی مربوط به موقوفه شاه سلطان حسین صفوی، به تحلیل این سنت نورانی بپردازد.

روش تحقیق در این مطالعه، روش تاریخی - تحلیلی است که در آن از منابع کتابخانه‌ای شامل وقف‌نامه‌ها، متون تاریخی و نیز مطالعات جدید در حوزه جامعه‌شناسی دین استفاده شده است. در این مسیر، تلاش شده است تا با خوانشی نو از اسناد تاریخی، ابعاد کمتر شناخته شده این سنت دیرینه مورد کاوش قرار گیرد.

مطالعه موقوفه شاه سلطان حسین صفوی از این جهت حائز اهمیت است که این موقوفه در آخرین سال‌های حکومت صفویه انجام گرفته و بنابراین می‌تواند انعکاسی از وضعیت اجتماعی و دینی آن دوره بحرانی باشد. همچنین، بررسی این موقوفه می‌تواند الگوهای رفتاری حاکمان صفوی در مواجهه با نهاد وقف و نیز انتظارات جامعه از این نهاد را روشن‌تر سازد.

## ۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع این مقاله و معرفی وقف‌نامه شاه سلطان حسین صفوی تاکنون مقاله‌ای نگاشته نشده است؛ ولی در مورد شمع و شمعدان‌ها و ابزار روشنایی در اعتاب مقدس که نزدیک به موضوع این مقاله هست رساله و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است.

سعیده جلالیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیر تحول روشنایی در بارگاه رضوی از عصر صفویه تا دوره معاصر»، به وقف‌نامه‌هایی که در مورد وقف برای روشنایی برای حرم امام رضا دارد اشاره کرده است و چون مطالعه موردی حرم امام رضا علیه السلام است با این مقاله متفاوت است. میثم جلالی (۱۳۸۷)، مقاله‌ای با عنوان «پایه شمعدان‌های صفوی در موزه آستان قدس» به رشته تحریر درآمده که اطلاعات ذی‌قیمتی در مورد شمعدان‌های موقوفه در آستان قدس بیان



کرده است. این مقاله نیز همچون مقاله فوق الذکر صرفاً به آستان قدس رضوی پرداخته و از این حیث با این نوشتار متفاوت است.

مریم فراست (۱۳۸۴)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضامین خط نگاره‌های شمعدان‌ها و قندیل‌های دوره صفوی در موزه ملی» در نشریه مطالعات هنر اسلامی منتشر شده است. ایشان در این مقاله به حکاکی‌های روی شمعدان‌های دوره صفوی پرداخته که دستاوردهای بسیار مهمی به دست داده است ولی از لحاظ موضوع با این نوشتار متفاوت است.

دیبا صنعت نگار (۱۳۹۷)، در رساله ارشد خود با موضوع «مستندسازی و تحلیل نقوش پایه‌های شمعدان‌های برنجی دوره صفویه آستان قدس رضوی»، به تاریخچه شمعدان‌ها و روشنایی پرداخته و از حیث ساخت شمعدان‌ها نگارش بسیار موفقی است.

## ۲. تاریخچه شمع و شمعدان

سابقه ساخت و استفاده از شمعدان به‌عنوان وسیله‌ای برای روشنایی با طرحی که ما می‌شناسیم ظاهراً از گذشته‌های بسیار طولانی برخوردار است. به نظر می‌رسد اولین نمونه‌های شمعدان، به‌صورت سفالی ساخته می‌شدند. قدیم‌ترین شمعدانی شناخته شد، شمعدانی سفالی متعلق به اوایل هزاره ششم قبل از میلاد است. به‌احتمال زیاد در دوره ساسانی نیز انواع شمعدان‌های سفالی، فلزی و حتی شیشه‌ای نیز وجود داشته؛ ولی شکلی از آنها به دست نیامده است. با این وجود ساخت انواع شمعدان در آغاز دوره اسلامی حکایت از تداوم ساخت این شیء از گذشته دارد.

با شروع دوران اسلامی و همراه با گسترش سریع اماکن مذهبی و غیر مذهبی و به استناد شمعدان‌های باقی مانده از سده‌های نخستین به نظر می‌رسد که ساخت انواع شمعدان‌ها همانند گذشته از رونق برخوردار بوده است. خوشبختانه از دوره اسلامی طرح‌های بسیار متنوعی از شمعدان‌ها در دست می‌باشد. شمعدان‌های دوره اسلامی خصوصاً شمعدان‌های فلزی از نظر فرم و نقش فوق‌العاده زیبا بوده و در حال حاضر نمونه‌های متعددی از آنها در موزه‌های مختلف داخلی و خارجی نگه‌داری می‌شود. نمونه‌های ارزنده شمعدان‌های دوره اسلامی را می‌توان در آثار دوره سلجوقی، ایلخانی تیموری و صفوی مشاهده کرد. این شمعدان‌ها نیز همانند دیگر آثار دوران اسلامی بیانگر سیر تحول فرم و نقش هستند. بدنه شمعدان‌ها خصوصاً شمعدان‌های فلزی زمینه هنرنمایی فلزکاران، بوده‌اند و هنرمندان بر روی بدنه آنها انواع نوشته و تصاویر را قلم‌زنی و حکاکی و برجسته‌کاری نموده‌اند (صنعت نگار، ۱۳۹۷: ۲۹).

شمع‌ها در دوران قدیم از موم یا پیه ساخته می‌شدند و فتیله‌ای در میان آن قرار می‌گرفت.

معمولاً شمع‌ها را در داخل شمعدان قرار می‌دادند. در قدیم وقتی شمع‌ها به نیمه می‌رسیدند آن را آب کرده و دوباره قالب‌گیری می‌نمودند. بعضی از آنها به قدری بزرگ بودند که بعد از یک روز سوختن به نیمه می‌رسیدند (گرکانی، ۱۳۷۶: ۵۴). در دروان مغول و تیموری شمعدان‌های مجسمه دار و با تزییناتی از مس و نقره ساخته می‌شدند. شمعدان‌های فلزی از تنوع زیادی برخوردارند. آنها دارای بدنه‌ای به شکل زنگ وارونه هستند و برخی از آنها دارای یک سینی در زیر بدنه باشند که گاهی پایه‌دار و گاهی مسطح است. بدنه شمعدان‌ها گاهی مقعر، چندضلعی و حتی مشبک ساخته می‌شد. جنس شمعدان‌های فلزی معمولاً از مفرغ و برنج بوده است و دارای تزیینات نقره‌کوب و قلم‌زنی شده هستند. (ر.ک: عطارزاده، ۱۳۹۲: ۵۹۱-۵۹۴).

### ۳. پیشینه تاریخی وقف شمع و شمعدان در بقاع متبرکه

تأمین نور و روشنایی حرم مطهر از مهم‌ترین اقداماتی بوده که همواره مورد توجه متولیان امور اعیان مقدس و همچنین واقفان و زائران بوده است. در میان مصارف موقوفات به مسئله روشنایی اماکن مذهبی اهتمام خاصی شده است به گونه‌ای که در بعضی از موقوفات، بیشترین سهم از درآمد موقوفه را به خود اختصاص داده است (حسینی کوپایی، ۱۳۸۹: ۲۵).

از چگونگی تأمین روشنایی اعیان مقدس پیش از دوره صفوی اطلاعات دقیق و موثقی در دست نیست. کلیه اطلاعات موجود نیز مبتنی بر روایات تاریخی و نمونه لوازم روشنایی بسیار انگشت شماری است که دسته‌گریخته بیان شده است. به‌عنوان مثال روایتی مربوط به قرن چهارم در کتاب کشف‌الغمه فی معرفة الایمه وجود دارد که نخستین اطلاعات مرتبط با روشنایی حرم رضوی است. مطابق این روایت در دوره سامانیان (قرن چهارم هجری) دو نفر مأمور از ری به بخارا نزد امیر نصر بن احمد می‌رفتند، در بازگشت از بخارا یکی از آنها به مشهد مشرف می‌شود، هنگام ورود که نزدیک غروب بوده متولی حرم را می‌خواهد و از او سؤال می‌کند که اگر امشب در حرم بمانم مانع و ناامنی نخواهد داشت، متولی جواب می‌دهد که مانعی ندارد. سپس از متولی درخواست چراغ می‌کند، متولی چراغی به او می‌دهد و در حرم را قفل کرده و می‌رود و آن شخص در حرم می‌ماند (مؤتمن، ۱۳۸۴: ۲۵۴) همچنین در تاریخ مبارک غازانی در مورد غازان‌خان آمده است «و هر سال از آن جهت تمامت مزارهای متبرکه پرده و شمعدان و قنادیل فرستند و همواره در سرّ با حق‌تعالی نیازی داشته باشد و محقق داند که حاجات او به آن درگاه به واسطه خیرات و صدقات و نذور بلا کلام روا گردد و بانجاز رسد و اجر آن ضایع نماند و شبهت نیست که در هیچ عصری هیچ آفریده چندین خیرات و مبرات و انعامات و ادرارات و صدقات جاریه از هیچ سلطان ندیده باشد حقّ جلّ و علا این پادشاه باداد و دهش را توفیق زیادت خیرات ارزانی داراد



و برکات و ثنویات آن بروز همایونش دررساناد» (همدانی، ۱۹۴۰: ۲۱۷-۲۱۸)

ابن بطوطه نیز در سفر خود به مشهد در سال ۷۳۴ قمری، به ذکر توصیفی از مرقد امام رضا علیه السلام پرداخته و در آن به قندیل‌های نقره، شمعدان‌ها و چراغ‌ها اشاره می‌کند. «مشهد مکرم امام رضا قبه‌های بزرگ دارد. قبر امام در داخل زاویه‌ای است. از سقف مقبره قندیل‌های نقره آویزان است... روبروی قبر امام، قبر امیرالمؤمنین هارون‌الرشید واقع شده که آن هم صندوقی دارد و شمعدان‌ها و چراغ‌ها روی آن می‌گذارند». (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۴۷۰).

مطابق روایتی که خواندمیر در جلد سوم کتاب تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر از وقایع دوره تیموریان آورده است، اوایل ماه شعبان سال ۸۲۰ قمری شاهرخ تیموری به جهت زیارت حرم امام رضا علیه السلام بدان روضه منوره تشریف برد و لوازم طواف بجای آورد و قندیلی را که از سه هزار مثقال طلا ساخته بودند بر سیبل نذر از سقف گنبد مقبره درآویخت. (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۶۰۲-۶۰۳).

در دوران صفوی و پیش از شاه سلطان حسین، برخی از منابع به موقوفاتی جهت روشنایی اعتبار مقدس اشاره دارند. در عالم‌آرای عباسی به اهتمام ویژه شاه‌عباس اول به امر روشنایی در حرم امام رضا پرداخته شده است و نویسنده بیان می‌دارد: «از قنادیل مرصع و طلا و نقره و شمعدان و قالی‌های به تکلف کرمانی و جوشقانی و اوانی و ظروف آنچه ضروری سرکار فیض آثار بود سرانجام یافته در زیب و زینت روضه مقدسه کوشیدند و تا در مشهد مقدس نزول اجلال داشتند هر صبح و شام بسعادت زیارت فایز گشته از غایت ارادت و حسن اعتقاد و اکثر اوقات بنفس نفیس بخدمات خادمی و فراشی حرم محترم و سایر خدمات قیام و اقدام فرموده بدان مفتخر و مباهی بودند و چون در خراسان امری که باعث توقّف باشد نماند روضه مقدس را وداع فرموده رایات نصرت آیات از راه رادکان و خوبشان بعزیمت استرآباد بجانب دشت بحریان در حرکت آمد.» (اسکندر منشی، ۱۳۱۴، ج ۲: ۵۷۹) در این امر نه‌تنها پادشاه صفوی بلکه شاه گورکانی نیز در زیارتی که به بارگاه رضوی داشت به تأسی از صفویان شمعدانی طلا به وزن ۱۳۰ انس و همچنین یک چلچراغ برای روشنایی حرم امام رضا وقف کرد. (بییت، ۱۳۶۵: ۲۹۳) همچنین گزارشی داریم که شاه عباس دوم در اواخر عمر به تبعیت از سلف خود برای روشنایی حرم امام رضا علیه السلام، موقوفاتی انجام داده است «... و نیز مقرر فرمودند که هر ساله کارکنان دولت موازی دوازده عدد شمعدان نقره و دو عدد عود سوز طلا که قیمت آنها تقریباً مبلغ یک هزار تومان میشد سامان نموده بر سر مرقد منور مطهر امام دین و دنیا سلطان ابوالحسن علی بن موسی‌الرضا با مقداری مصالح مقرر میفرستاده باشند که در عرض یک سال تمام خدام فرشته

احترام سرکار فیض آثار در روضه مقدس کار فرمایند. بعد از سپری شدن مدت معهود به وقوف متولی طلا و نقره اجناس مزبور را مسکوک به سکه رایج نموده به خرجی راه زایران آستانه منوره متبرکه میداده باشند.» (افشار، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۳۰)

#### ۴. موقوفه شاه سلطان حسین

یکی از مهم‌ترین اسناد موقوفات در رابطه با روشنایی اعتاب مقدس و وقف شمع و شمعدان برای این اماکن، وقف‌نامه شاه سلطان حسین صفوی است که در سال ۱۱۲۳ هجری انجام شده است.

هو الواقف علی نیت العباد

بسم‌الله الرحمن الرحیم

روشنی فزا شمعی که روضات دلهای مؤمنین و موحدین را از افاضه نور یقین مانند درخشنده مهر در قبه سپهر، تابنده و درخشان سازد و فروزان چراغی که حریم قلوب ارباب معرفت را از بسط صفا و نزهت چون روضه جنت ضیا بخشد و زینت فزاید، حمد بیحد و ثنای لا یُحصی و یُعَدّ خداوند واقف سر و غلن و واهب ذی المین است که مزارات مهبط فیوضات دلهای اصحاب ایقان را از فروغ شموع معارف و ایمان «کمشکاة فیها مصباح» روشن و تابان نمود و در گنبد زرانود آسمان از ماه و مهر و اختران، انوار بیبایان ایجاد و معین فرمود.

و صلوات غیر معدود و تسلیمات متصله الورد بر سید و سرور انبیاء، مقصود از ایجاد ارض و سماء، «اول ما خلق الله نوری» به شأن بارفעתش شایان، «لولاک لما خلقت الافلاک» به علو قدرش گویا و رطب اللسان، شفیع روز جزا، و واقفان علوم اولین و آخرین و حافظان شریعت و دین مبین، اعنی اوصیاء اثنی عشر و اهل‌بیت برگزیده خیرالبشر، سیمای ولی خداوند حی اکبر، آجام قدرت را غضنفر حیدر، علی بن ابی طالب - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الی یوم الدین - که شفیعان و معتقدان آن امینان اسرار رحیم و رحمان، از منافع و عواید و زواید فواید محبت و تولای ایشان در جهات اربعه حریم حرم جان و اطراف فیض مطاف جنان، شمع‌های تابان روشن میتواند نمود.

اما بعد؛ غرض از افروختن شمع خامه به شعله مدعای صدق ختامه و اضائه این روضه مستحسن به انوار سخن آن است که این کمترین کلب آستان خادم عتبات،



سلطان حسین صفوی موسوی - آیده الله تعالی فی الدارین بتأییده القوی - در این اوان سعادت اقتران، وقف صحیح شرعی لازم مؤبد و حبس صریح ملى جازم مخلد نمود قربه الى الله تعالی و طلبا لمرضاته :

همگی و تمامی قریه شه آباد واقعه در دارالسلطنه اصفهان را که از خالص مال و وجه حلال احداث و قنوات آن را از وجوه مباحه اجزا نموده بود با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملىه و مضافات و منسوبات و قنوات و انهار و جداول و مجاری شرب تابعه و اراضی دایره و بایره و سایر ما یتعلق بها، سمى ام لم یسم و ذکر ام لم یذکر.

به این نهج که هر ساله آنچه حاصل و منافع آن باشد

۱ - اولاً در تعمیر و نفقه القنوات و بذر و مصالح الاملاک و ضروریات زراعت و سایر اموری که دخل در آبادی قریه مزبوره و توفیر و تنمیه حاصل آن داشته باشد و روشنایی و فروش و تعمیر مسجدی که در قریه مزبوره ساخته شده و تعمیر حمام قریه مزبوره صرف شود.

۲ - و بعد از آن هر تومانی دویست دینار به جهت حق السعی وزیر و مستوفی سرکار حلال و سرکار قریه موقوفه مزبوره که متولی شرعی وقف مذکور ایشان را تعیین نموده باشد وضع نمایند.

و از آن جمله یکصد دینار وزیر سرکار حلال و پنجاه دینار را مستوفی سرکار حلال و پنجاه دینار را سرکار قریه مزبوره به علت حق السعی مذکور متصرف شوند.

۳ - و آنچه باقی بماند یک عشر آن را متولی شرعی قریه مزبوره به علت حق السعی متصرف شود.

۴ - و از جمله نه عشر باقی، هر ساله ناظر و وزیر سرکار حلال، مبلغ دویست و چهل و پنج تومان تبریزی نقد کرده تسلیم ناظر بیوتات سرکار خاصه شریفه نمایند به جهت سرانجام نمودن موازی هشتصد و شصت و چهار عدد شمع بزرگ که پنج عدد آنها در روضه منوره متبرکه غریه غرویه، اعنی روضه مطهره حضرت خیر الوصیین، سراج مجامع قلوب مؤمنین، تاج فرق فرق موحدین، جانشین بلافضل حضرت سید المرسلین، سرخیل زمره اصفیا، قافله سالار جمله اولیا، مصباح طرق هدایت، مفتاح ابواب قصور بیقصور جنت، دریای ذخار معارف ازل و ابد، بحر مواج عوارف حی احد، خازن علوم مکنونه، دانای اسرار خلایق از ماه تا ماهی، عالم احکام تنزیل، حافظ ما ائی به جبرئیل، کلید روضه رضوان، قاسم جنان و نیران، مرتضای خالق، مقتدای

خلائق، مظهر انوار هل أتى، شهسوار ذی اقتدار مضمار «لا فتی»، صاحب مقام «انت منی بمنزلة هرون من موسى»، عالم رموز «لو كشف الغطاء ما ازدت يقيناً»، خازن كنوز «انا مدينة العلم و على بابها»، سلطان اورنگ «انما وليكم»، متكى اريكه «من كنت مولاه فهذا على مولاه»، يعسوب الدين و قائد القرم المحجلين، مظهر العجايب و الغرايب و مطلوب كل طالب، اسد الله الغالب، ابى الحسنين و امام الثقيلين على بن ابى طالب عليه صلوات الله الملك الواهب.

و سه عدد در روضه مقدسه مطهره حايبيه اعنى روضه منوره امام ابرار، والد ائمه اطهار، سلطان سرير امامت، سراج منهاج هدايت و خلافت، درة التاج افسر ولايت، گوهر ثمين دُرَج وصايت، معدن فيض رحمت يزدانى، واقف علوم مكنونه صمدانى، وارث انبيا و مرسلين، وصى خير النبيين و سيد الوصيين، حجة الله على الخلق اجمعين، رحمة الله على اهل السموات و الارضين، بضعة سيد الورى، فلذة كبد خير النساء، سيد الشهداء و خامس اصحاب الكساء، امام الثقيلين و مولى الكونين ابى عبد الله الحسين - صلوات الله و سلامه عليه و على آبائه و اولاده الطاهرين.

و سه عدد ديگر در روضه منوره امامين همامين، سيدين سندن، اعنى پيشواى امم، هادى عرصه عالم، مقرب جناب خالق انس و جان، حافظ وحى رحيم رحمن، قبله هفتم مسجد امامت، جانشين مسند على وصايت، حامل امانات پيغمبرى، كافل مهمات هدايت و رهبرى، برگزيده خداوند كريم، ابى ابراهيم الحليم، و مقتداى دين، راهنماى راه يقين، معصوم از گناه و خطا، داناي علوم انبيا و اوليا، زبده بنى آدم، وارث معادن علم و كرم، محرم اسرار رب العالمين، نور ديده خير خلق اولين و آخرين، هادى طريق سداد و رشاد، امام بحق، ابى جعفر الجواد موسى بن جعفر الكاظم - صلوات الله و سلامه عليهما و على آبائهما و اولادهما الكرام الامجاد - .

و يك عدد باقى، در مزار كثير الانوار منسوب به امام زاده لازم الاحترام بزرگوار على مقام، فرع ارجمند دوحه مباركه رسالت، عُصن برومند شجره طيبه امامت، سيد لازم التجليل امام زاده اسماعيل - عليه و على آبائه الكرام سلام الله الملك الجليل - واقع در دارالسلطنه اصفهان.

در دوازده عدد شمعدان كه كمترين كلب آستان ساخته و وقف روضات منوره مزبوره نموده هر شب روشن شود و از اول شب تا صباح بسوزد و هر يك از آن شمعهها يك من و چهار يك به وزن شاه باشد و در پنج شب سوخته شود و هر يك از شمعدانهاى



مزبوره که حاضر نباشد، شمع آن را به دستور هر شب در آن روضه مقدسه روشن کنند و ناظر بیوتات مذکور هر ساله به خدمت متولی شرعی عرض نماید و به نحوی که متولی شرعی مناسب داند و مقرّر فرماید از اتمام شمع‌ها و ارسال آنها یا فرستادن موم یا ارسال قیمت که در هر یک از اماکن مقدسه شمعها را به عمل آورند، باید از آن قرار سرانجام و روانه عتبات عالیات شود که در هر یک از اماکن مشرفه، شمع‌های متعلقه به آن روضه مقدسه را تسلیم کلید دار آن روضه نموده و قبضّ بازیافت نموده به نظر متولی شرعی رسانند و رسد مزار امام زاده واجب الاحترام را شمع تمام کرده در حضور ناظر سرکار مدرسه امامیه تسلیم متولی آن مزار باهر الانوار نمایند که به وقوف و اطلاع ناظر مدرسه مزبوره هر شب روشن سازد.

و چون در این وقت کارکنان سرکار خاصه شریفه، سرانجام شمع‌های مزبوره را به مبلغ مذکور برآورد و تخمین نموده‌اند لهذا مبلغ مزبور به جهت آن تعیین شد. هرگاه در سنوات آتی به علت تفاوت قیمت، قدری از مبلغ مزبور کم یا زیاد شود، میباید هر قدر که شمع‌های مذکوره فوق بالتمام سرانجام شود مهیا و تسلیم و به نحو مسطور عمل نمایند.

و کسر حاصل اگر در سالی اتفاق افتد، بر همه مصارف باید به یک نسبت باشد.

۵ - و آنچه از نُه عشر مذکور از وجه سرانجام شمع‌های مزبوره زیاد آید و باقی ماند، نقد نموده تحویل صاحب جمع خزانة عامره نمایند که هر کس از شیعیان و مؤمنان که روانه حج بیت الله الحرام یا زیارت عتبات عالیات سدره مرتبات یا مشهد مقدس معلی شود و قلیل البضاعه و پریشان باشد، مدرّس مدرسه رفیعه مبارکه سلطانی و ناظر سرکار حلال به خدمت متولی شرعی، حال آن شخص را عرض نمایند و آنچه متولی شرعی را به خاطر رسد و مناسب داند و مقرر فرماید، آن شخص را به در دولتخانه مبارکه آورده همانقدر را از وجهی که تحویل صاحب جمع خزانة عامره شده دست به دست تسلیم او نمایند که روانه مقصد شود و هر یک نفر را زیاده بر مبلغ پنج تومان ندهند.

و این کلب آستان - جعله الله آمنا من مخاوف مواقف یوم الدین - تولیت وقف مزبور را در متن صیغه وقف تفویض نمود به نفس انفس و وجود مقدّس خود، مادامت روضه الدهر منوره من فیض عدالت - ابقاه الله بقاء الدهور بفضله و کرامته - و بعد از عمر طویل به هر کس که پادشاه آن زمان و فرمانفرمای ممالک ایران باشد.

و شرط شرعی نمود که مادامخود متولی باشد، عشری که به جهت حق التولیه وضع

میشود به دستور فوق صرف مدد خرج حجّاج و زوّار شود.

و بر نهج مسطور صیغه وقف مذکور موافق شرع انور جریان یافت، وقفا صحیحاً صریحاً شرعياً لازماً مجزماً مؤبداً بحیث لا بیاع و لا یوهب و لا یرهن و لا یورث الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین.

و این کمترین کلب آستان، قریه مزبوره را از ملک خود اخراج نموده و به تصرف وقف داد و الحال ید او ید تولیت است و به عنوان ملکیت احدی را بر آن حقی و تسلطی نیست و ثواب آنچه از این وقف صرف شمع‌های مزبوره شود قربۀ الی الله تعالی و طلباً لمرضاته به ارواح مطهره مقدسه ساقی حوض کوثر، وصیّ بحق خیر البشر علی بن ابی طالب، و حضرت سید الشهداء خامس آل عبا ابی عبد الله الحسین، و امامین هم‌امین فخری الثقلین موسی بن جعفر الکاظم محمد بن علی التقی، و امام زاده واجب التعظیم و التبجیل امام زاده اسماعیل - صلوات و سلامه علیهم اجمعین - هدیه نمود.

و ثواب آنچه از این وقف به حجّاج و زوّار داده شود، به ارواح مقدسات مقربان درگاه سبحانی، خازنان اسرار صمدانی، فرماندهان عرصه قیامت، شفیعان گناهان امت، برگزیدگان اولاد آدم، مقاصد اصلیه ایجاد عالم حضرات ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - هدیه نمود.

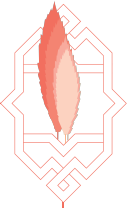
تغییر دهنده وقف مزبور و مانع روشن کردن شمع‌های مذکور به لعنت جناب ربّ العالمین و نفرین ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین و چهارده معصوم - علیهم سلام الله الی یوم الدین - گرفتار گردد؛ «فمن بدّله بعد ما سمعه فائماً ائمه علی الذین یتدلونه ان الله سمیع علیم».

و کان بتوفیق الباری ذلک الوقف و الخیر جاری و الإتیان بالصیغة و تحریر تلک الوثیقة فی شهر ربیع المولود من شهر سنة ثلاث و عشرين و مائة بعد الالف من الهجرة المقدسة النبویة المصطفویة - علی مهاجرها آلاف صلاة و سلام و تحیة

## ۵. بررسی تحلیلی

### ۵-۱. تحلیل محتوای موقوفه

حرکت وقف در دوره شاه سلطان حسین صفوی، پرشتاب‌تر از آنچه در دوره سلطنت شاهان



پیش از او بود، به پیش رفت؛ چرا که وی علاقه زیادی به وقف داشت و نه تنها خود که بسیار از درباریان و آغایان حرم، یعنی خواجگان دربارش، به کار وقف می‌پرداختند. (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۰۳). همچنین در دوره سلطنت او وقف کردن روندی روبه‌رشد داشت و شاه به دلیل علاقه‌مندی به این سنت پسندیده موقوفات بسیاری از خود بر جای گذاشت. این موقوفات در موارد مناسبی مصرف می‌شد که از آن‌جمله می‌توان به برپایی مراسمی روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و زائران کربلا اشاره کرد (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۱۱).

شاید بتوان گفت این وقف‌نامه از حیث موضوع، از منحصربه‌فردترین وقف‌نامه‌های عهد صفوی است چرا که از لحاظ مصارف، بعد از تعیین مخارج معمول، صرفاً به بحث روشنایی اعتبار مقدس اختصاص دارد و منحصر به یک مکان هم نیست.

نوع نگارش وقف‌نامه نیز حائز اهمیت است. در نگارش وقف‌نامه، در ابتدای آن که معمولاً در نعت و ستایش پروردگار سخن به میان می‌آید، از تجلی نور بدن ذات اقدس الهی صحبت می‌شود که ارتباط نزدیکی با ماهیت وقف‌نامه دارد.

نکته دیگری که در این وقف‌نامه شاهد هستیم، وقف شمع و شمعدان برای اعتبار نجف اشرف، کربلای معلی و حرم کاظمین و امامزاده اسماعیل در دارالسلطنه اصفهان می‌باشد که از حیث تعداد اعتبار موردتوجه است.

از طرفی پادشاه صفوی اختیاری برای متولی در نظر گرفته که از باقی‌مانده عوایدی موقوفه، برای زائران بیت‌الله‌الحرام و کربلا هزینه نماید که این مهم نیز در راستای ترویج شعائر شیعی توسط شاه صفوی در خور توجه است.

نکته قابل‌توجه دیگری که در این وقف‌نامه به چشم می‌خورد، وقف برای امامزاده اسماعیل اصفهان است که هم ردیف با دیگر مشاهد متبرکه‌نام برده شده است. امامزاده اسماعیل اصفهان یکی از آرامگاه‌های تاریخی اصفهان به شمار می‌رود که از نوادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام، به شمار می‌رود. (ریاحی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). در قدیم الأیام، امامزاده اسماعیل علیه‌السلام زیارتگاه بزرگ و پررونقی بوده، تا جایی که مرحوم جابری انصاری می‌نویسد: دستگاه امامزاده اسماعیل بسیار عالی بوده، خانه‌های اطراف داشته که در آن شمع مومی ریختندی و مخصوصاً دو شمع مومی، شب‌های جمعه روشن می‌کردند در شمعدان طلا که بلندی شمع به حدی بوده که با نردبان آن را روشن می‌کردند (جابری انصاری، ۱۳۳۲: ۱۸۹-۱۹۰). در این عبارت انصاری، اشاره‌ای به شمع و شمعدان‌های موقوفه این مکان شده است که احتمال زیاد همان شمعدانی است که توسط شاه سلطان حسین صفوی وقف شده است.

## ۵-۲. تحلیلی جامعه‌شناختی

وقف روشنایی در اماکن مقدس به‌عنوان یک نهاد اجتماعی - دینی، از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی دین قابل‌بررسی است. بر اساس نظریه بوردیو (۱۹۸۶)، این نوع وقف را می‌توان به‌عنوان کنشی برای کسب سرمایه نمادین در میدان دینی تحلیل کرد. به گفته سلیمانی، وقف شمع در اماکن مقدس، هم‌نمایشی از سرمایه اقتصادی و هم تبدیل آن به سرمایه نمادین است. (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۴۵). شاهان صفوی از یک طرف برای نشان‌دادن ارادت خود به اماکن مقدس شیعه، جهت کسب مشروعیت و همچنین همراهی جامعه با خود سعی داشتند به‌انحاء مختلف، موقوفاتی برای این اماکن داشته باشند که این موقوفه شاه سلطان حسین را نیز می‌توان جزو همین موقوفات دانست. از طرفی ویژگی خاص این موقوفه چنین است که نتیجه مستقیم آن، ازدیاد زائران این اعتاب مقدس است که این امر برای حکومت صفوی بسیار مهم به شمار می‌رود.

از طرفی فراوانی این نوع موقوفه در دوران صفوی و بخصوص انجام آن توسط پادشاهان صفوی، باعث الگوگیری دیگر پادشاهان و مردمان در طبقات مختلف گردید به‌گونه‌ای که از بعد از دوران صفوی شاهد ازدیاد این نوع موقوفه در اعتاب مقدس هستیم.

## ۵-۳. بعد طبقات اجتماعی وقف روشنایی

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که شکل وقف شمع و شمعدان بازتابی از ساختار طبقاتی جامعه بوده است:

طبقات بالا: وقف شمعدان‌های طلا و نقره که بخصوص در دوران صفوی در رابطه با حرم امام رضا علیه‌السلام به‌وفور انجام شده است. (جلالیان، ۱۳۹۷)

طبقات متوسط: از طرفی این نوع وقف به صورتی بود که طبقات متوسط جامعه هم به‌وفور در این زمینه فعالیت داشته‌اند و نمود عینی آن وقف روغن چراغ یا شمع‌های معمولی است که در اعتاب مقدس انجام شده است. (منزوی، ۱۳۸۲: ۶۷) و گاهاً در این زمینه چنان فعالیت می‌کردند که حالت افراط پیدا می‌کرد و سعی می‌شد از وقفی این‌چنین جلوگیری شود.

طبقات پایین: شاید بتوان این نوع وقف را همچون نذرهای کوچک بیان کرد که حتی طبقه‌های پایین جامعه با اندک سرمایه اقتصادی به این امر مبادرت می‌کردند و حتی برخی از ایشان که امکان دسترسی به امامزاده یا اعتاب مقدس را نداشتند، شمع‌های خود را برای نذر در سقاخانه‌هایی که منتسب به اهل‌بیت بود روشن می‌کردند و همین امر ویژگی ممتاز وقف روشنایی در جامعه اسلامی است.



## نتیجه‌گیری

کارکردهای مختلف وقف در طول تاریخ باعث شده که ابعاد مختلفی از این عمل با توجه به نیاز جامعه اتفاق افتد.

وقف شمع و شمعدانی برای روشنایی، یکی از انواع وقف است که در تمدن اسلامی اتفاق افتاده است. این نوع وقف هرچند قدمت دیرینه‌ای دارد؛ ولی با توجه به رسمی شدن مذهب تشیع در دوران صفویه و توجه وافر به اعتاب مقدس و امامزادگان، بر حسب نیاز این اماکن اعتبار ویژه‌ای یافت، به‌گونه‌ای که شاهد افزایش روزافزون این نوع وقف از دوران صفوی به بعد هستیم.

از لحاظ اجتماعی، ویژگی وقف برای روشنایی این است که همه طبقات جامعه امکان وقف چینی داشته‌اند، هرچند متولیان اصلی این نوع موقوفات باز شاهان و امرا بوده‌اند ولی مردم عادی نیز در حد بضاعت خود، سعی می‌کردند حتی با افروختن شمعی، خود را در این امر سهیم گردانند.

موقوفه شاه سلطان حسین صفوی، از آن جهت که تماماً و مطلقاً به امر وقف شمع و شمعدان برای روشنایی برخی از اعتاب مقدس انجام شده، بسیار از لحاظ تاریخ اجتماعی حائز اهمیت است. اول اینکه شاهان صفوی علاوه بر ساخت و ساز در اعتاب، حتی برای روشنایی این اماکن موقوفاتی انجام دادند که الگوی بسیار مهمی برای دیگر مردم و حتی شاهان سلسله‌های بعدی شد به‌گونه‌ای که امروزه در موزه‌ها بسیاری از شمعدان‌هایی وجود دارد که از دوره‌های مختلف تاریخی و وقف بر اماکن مقدس است.

دوم نکته مهم اینکه این نوع وقف از لحاظ ساختار اجتماعی در توانایی تمامی افراد جامعه بوده و حتی تهیدستان نیز با وقف شمع کوچکی بر سقاخانه یا مکان متبرک محل خود می‌توانستند در این امر شرکت کنند تا جایی که امروزه همچنان این سنت در برخی از اماکن مقدس انجام می‌شود.

## کتابنامه

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۶۱). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمد علی موحد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اسکندر منشی (۱۳۴۱). *تاریخ عالم آرای عباسی*. تهران: دار الطباعه آقا سید مرتضی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۷). *دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی*. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- بوردیو، پییر (۱۹۸۶). *تمايز*. کمبریج: انتشارات هاروارد.
- جابری انصاری، میرزاحسن خان (۱۳۳۲). *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*. اصفهان: مجله خرد.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین و فرهنگ*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حسینی کوپائی، سعید (۱۳۸۹). *مصارف پانصدساله موقوفات اصفهان*. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۳۳). *تاریخ حبیب السیر فی اخبار اولاد البشر*. تهران: خیام.
- دیبا صنعت نگار (۱۳۹۷). «مستندسازی و تحلیل نقوش پایه‌های شمعدان‌های برنجی دوره صفویه آستان قدس رضوی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش فلز*. استاد راهنما مجید حیدری، موسسه آموزش عالی فردوس.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۹۱). *شهری بر هامون نهاده، جستاری در باب پیشینه اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- سپنا، عبدالحسین (۱۳۴۶). *تاریخچه اوقاف اصفهان*. اصفهان: اداره کل اوقاف و معارف اسلامی.
- سعیده جلالیان (۱۳۹۷). «سیر تحول روشنائی در بارگاه رضوی از عصر صفویه تا دوره معاصر»، *نشریه مشکوه*، ۱۲(۱۴۰)، صص: ۹۱-۱۲۸.
- سلیمانی، علی (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی وقف در ایران*. تهران: نشر نی.
- عطارزاده، عبدالکریم (۱۳۹۴). «شمعدان»، *دانشنامه جهان اسلام*. زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد ۲۷، صص: ۵۹۱-۵۹۴.
- گرکانی، مهرانه (۱۳۷۶). «ابزار روشنائی در هنر اسلامی و نور در معماری ایران»، *فصل‌نامه علمی فرهنگی میراث فرهنگی*، ۴(۱۷)، صص: ۴۹-۵۵.
- مریم فراست (۱۳۸۴). «بررسی مضامین خط نگاره‌های شمعدان‌ها و قندیل‌های دوره صفوی در موزه ملی»، *فصل‌نامه مطالعات هنر اسلامی*، ۱(۳)، صص: ۶۱-۷۶.
- منزوی، احمد (۱۳۸۲). *وقف‌نامه‌های ایران: اسناد و مدارک*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



- میثم جلالی (۱۳۸۷)، «پایه شمعدان‌های صفوی در موزه آستان قدس»، *نشریه مشکوه*، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۹۹، صص: ۱۱۵-۱۲۰
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۹۴۰). *تاریخ مبارک غازی*، هرتفورد: استفن اوستین.
- بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان*، مترجم قدرت‌الله روشنی، تهران: یزدان.